

چالش‌های سیاسی فرهنگی جریان‌های تکفیری ضد گفتمان انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن

محمد حقی^۱

چکیده

شکل‌گیری و گسترش جریان‌های تکفیری، با توجه به داشتن ویژگی‌هایی مانند نقل‌گرایی، عقل‌ستیزی، وحدت‌گریزی، خشونت‌گرایی و بی‌توجهی به استکبار، چالش‌های متعددی ضد گفتمان انقلاب اسلامی (با مؤلفه‌هایی مانند وحدت‌گرایی اسلامی، استکبارستیزی، عقل‌گرایی و...) به وجود آورده است. (ضرورت) مقاله‌ی حاضر به دنبال پاسخ‌گویی به این پرسش است که چالش‌های سیاسی- فرهنگی جریان‌های تکفیری ضد گفتمان انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن چیست؟ (پرسش اصلی) چالش‌های سیاسی- فرهنگی جریان‌های تکفیری ضد گفتمان انقلاب اسلامی، شامل مواردی همچون تضعیف راهبرد وحدت اسلامی، حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل، خشونت‌گرایی، تضعیف بسترهای گفت‌وگو و تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی می‌شود. متقابلاً راهکارهای مقابله با این جریان‌ها نیز شامل مواردی همچون دیپلماسی و همگرایی اسلامی، روشننگری درباره‌ی نقش سیاست‌های استکباری، تلاش برای تقویت جریان‌های فکری سیاسی معتدل در جهان اسلام، آگاهی‌بخشی درباره‌ی جریان‌های تکفیری و... می‌شود. (یافته) در این مقاله، برای تبیین بحث، از «نظریه‌ی بحران» «توماس اسپریگنز»، با روش توصیفی- تحلیلی استفاده شده است. (چارچوب نظری و روش)

واژگان کلیدی: جریان‌های تکفیری، گفتمان انقلاب اسلامی، چالش، راهکار

^۱. دانش‌آموخته‌ی حوزه‌ی علمیه‌ی قم، دانشجوی دکترای مدرسی انقلاب اسلامی و پژوهشگر پژوهشگاه بین‌المللی المصطفی.



انقلاب اسلامی ایران و گفتمان آن با توجه به داشتن مؤلفه‌ها و شاخصه‌هایی مانند حاکمیت الهی، اسلام ناب محمدی ﷺ، تأکید بر وحدت و همگرایی اسلامی، استکبارستیزی، مبارزه با رژیم صهیونیستی، عقل‌گرایی و عقل‌ورزی، دارای بازتاب و تأثیرات شگرفی در جهان اسلام و دنیای معاصر بوده است.^۱ به منظور مقابله با تأثیرگذاری انقلاب اسلامی، برخی قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای دست به یکسری اقدامات محدودکننده‌ای ضد انقلاب اسلامی مانند تقویت گروه‌های تکفیری زده، کوشیدند آن را جایگزین گفتمان انقلاب اسلامی نمایند.

جریان‌های تکفیری، که به یکی از معضلات دردآور جهان اسلام تبدیل شده، وحدت جهان اسلام را با چالش مواجه کرده است و به شدت بر آتش اختلافات فرقه‌ای و مذهبی دامن می‌زند. افزون بر نقش اختلافات تاریخی و زمینه و ریشه‌های فکری، نمی‌توان حمایت قدرت‌های استکباری و سرویس‌های جاسوسی دشمن را نادیده گرفت که این جریان‌ها را آلترناتیو و ضد گفتمان انقلاب مطرح می‌نمایند، در حالی که انقلاب اسلامی بر همگرایی و وحدت جهان اسلام تأکید دارد. جریان‌های تکفیری آتش فتنه به جان مسلمانان انداخته، اسلام‌هراسی را به سود صهیونیست‌ها و نظام سلطه تقویت می‌کنند. همچنین ویژگی‌هایی مانند دشمنی با گفتمان انقلاب اسلامی، اختلاف‌افکنی در جهان اسلام و هماهنگی با ترندها و دسیسه‌های دشمنان اسلام دارند. در مقاله‌ی حاضر به دنبال بررسی چالش‌های سیاسی - فرهنگی جریان‌های تکفیری ضد انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن هستیم. چالش‌های جریان‌های تکفیری اگر چه در ابعاد و عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و... در خور توجه و احصا هستند، ولی در این پژوهش، تهدیدها در ابعاد سیاسی فرهنگی مورد بررسی واقع شده، در ادامه، راهکارهای مقابله با آن

^۲ برای مطالعه در زمینه‌ی مؤلفه‌ها و شاخصه‌های گفتمان انقلاب اسلامی، به کتاب بررسی تهدیدهای جریان‌های تکفیری ضد گفتمان انقلاب اسلامی اثر نگارنده رجوع شود. این کتاب توسط انتشارات جامعه‌المصطفی ﷺ چاپ گردیده است.



ارائه می‌گردد. در خصوص پژوهش‌های صورت‌گرفته درباره‌ی موضوع جریان‌های تکفیری، باید اظهار داشت گرچه آثار و مکتوبات فراوانی در این زمینه نوشته شده است، پژوهشی که بر چالش‌آفرینی جریان‌های تکفیری ضد گفتمان انقلاب اسلامی متمرکز باشد، یافت نمی‌شود، مگر این که در ذیل مباحث مربوط، اشاراتی بر این موضوع صورت گرفته باشد.

چارچوب نظری

در مقاله‌ی حاضر با توجه به بررسی چالش و ارائه‌ی راهکار، از نظریه‌ی بحران توماس اسپریگنز استفاده می‌شود. این نظریه مبتنی بر شباهت‌سازی کار پزشکان و اندیشمندان و رهبران سیاسی و اجتماعی است. همان‌گونه که یک پزشک در مواجهه با بیمار، از آغاز تا پایان، چهار اقدام اساسی انجام می‌دهد، هر متفکر و رهبر هم در مواجهه با جامعه‌ی بیمار، چهار مرحله را می‌پیماید. این مراحل عبارت است از: گام نخست: کشف بیماری، بحران، مشکل و معضله؛ گام دوم: کشف علل و عوامل بروز بحران‌ها و مشکلات؛ گام سوم: ترسیم جامعه‌ی مطلوب و آرمانی؛ گام چهارم: شیوه‌ی انتقال از وضع موجود به وضع مطلوب. (لکزایی، ۱۳۹۴: ۳۴) براساس نظریه‌ی بحران، در مرحله نخست، نظریه‌پردازان از بحران‌های سیاسی آغاز می‌کنند که جامعه با آن‌ها درگیر است. به منظور فهم افکار نظریه‌پرداز سیاسی، نخستین پرسش این است که مشکلش چیست و از نظر وی چه چیزی فاسد است و مخرب؟ در مرحله‌ی دوم نظریه‌پرداز به جست‌وجوی دلیل اصلی مشکلات و نابسامانی‌ها می‌پردازد. نظریه‌پرداز در این مرحله، به مطالعه‌ی بیشتر پرداخته، به دنبال سرنخ‌ها می‌گردد. (اسپریگنز، ۱۳۷۰: ۹۰)

در مرحله‌ی سوم، نظریه‌پرداز به بازسازی ذهنی جامعه‌ی سیاسی پرداخته، آرمان‌شهری در ذهن تجسم کرده، افکارش را به صیقل علم، قابلیت‌ها، امکانات و واقعیت‌ها می‌آراید. معیارهایی که نظریه‌پرداز برای جامعه‌ی بازسازی‌شده‌ی آرمانی خویش در نظر می‌گیرد، هنجارهایی برای زندگی سیاسی نیز هست. (همان: ۱۴۷) در مرحله‌ی آخر، اسپریگنز راه درمان را با طرح شکاف «آنچه هست» و «آنچه باید باشد» پی می‌گیرد. وی معتقد است

نظریات سیاسی، با بینش جامع خود از نظم سیاسی، نتایج تجویزی مهمی دربر دارند و شامل ارزیابی قابلیت‌ها، امکانات و ضرورت‌ها و حقایق هستند. (همان: ۱۸۹) براساس این، نه به صورت تطبیقی، که فی‌الجمله با استفاده از نظریه‌ی بحران و برخی مراحل آن، چالش‌های سیاسی فرهنگی جریان‌های تکفیری ضد گفتمان انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله آن بررسی می‌گردد.

در موضوع حاضر و در چارچوب نظریه‌ی بحران، اولاً باید جریان‌های تکفیری، گونه‌ها و شاخصه‌های آن مورد شناسایی قرار گیرد. ثانیاً توجه شود که این جریان‌ها چه بحران‌ها و چالش‌هایی به دنبال دارد. ثالثاً باید چرایی و عوامل شکل‌گیری این جریان‌ها واکاوی و در نهایت، به ارائه‌ی راهکار پرداخته شود. از بین مراحل مطرح‌شده مربوط به جریان‌های تکفیری و چالش‌های آنها، بحث چرایی و عوامل شکل‌گیری و نیز شاخصه‌ها و ویژگی‌های این جریان‌ها مفروض و مفروغ عنه تلقی می‌شود. لازم است توضیح دهیم که جریان‌های تکفیری دارای ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی مانند نقل‌گرایی، ظاهرگرایی (قشری‌گری)، عقل‌ستیزی، خشونت‌گرایی، وحدت‌گریزی، اعتقاد به تکفیر و... بوده، عوامل گوناگون فکری، فرهنگی و سیاسی مانند اندیشه‌های افرادی همچون «ابن حنبل»، «ابن تیمیه» و «ابن عبدالوهاب»، اختلافات هویتی و قومیتی و نقش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای در شکل‌گیری آن‌ها مؤثر است. براساس این، تمرکز مقاله، بر چالش‌های ایجادشده (بحران) و ارائه‌ی راهکار و راه حل مقابله با آن‌ها خواهد بود.

چالش‌های جریان‌های تکفیری ضد گفتمان انقلاب اسلامی

همان‌گونه که در مقدمه اشاره گردید، چالش‌های جریان‌های تکفیری در ابعاد و عرصه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، امنیتی، نظامی و... دیده و احصا می‌شود، ولی در این مقاله، چالش‌ها در ابعاد سیاسی - فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. براساس این، در ادامه، به ترتیب به چالش‌های سیاسی و چالش‌های فرهنگی جریان‌های تکفیری ضد گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته می‌شود.

الف. چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری

شکل‌گیری جریان‌های تکفیری، چالش‌های متعددی ضد گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آورده است. چالش‌های موجود ابعاد گوناگونی دارد که در این پژوهش، چالش‌های سیاسی بررسی می‌شود. چالش‌های سیاسی که این جریان‌ها ضد گفتمان انقلاب اسلامی به وجود می‌آورند، شامل مواردی همچون تضعیف راهبرد وحدت اسلامی، حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان انقلاب اسلامی، خشونت‌گرایی و خدشه‌دار نمودن رویه‌ی مسالمت‌آمیز انقلاب اسلامی و تقابل با حکومت مبتنی بر هویت شیعی می‌شود که در ادامه، آن‌ها را تبیین کرده، توضیح می‌دهیم.

۱. تضعیف آرمان و راهبرد وحدت اسلامی

یکی از شاخصه‌های گفتمان انقلاب اسلامی، همگرایی و وحدت مسلمانان است. انقلاب اسلامی در شرایطی این مهم را سرلوحه‌ی اقدامات خود قرار داد که دشمنان اسلام زمینه‌های تفرق و اختلاف کشورهای اسلامی را به شدت تقویت می‌کردند؛ از این رو، امام خمینی علیه السلام، رهبر و بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، ایجاد وحدت مسلمانان را یکی از برنامه‌های اصلی انقلاب اسلامی برشمردند. (امام خمینی علیه السلام، ۱۳۷۸، ج ۱: ۳۳۶) جهان اسلام در صورت عمل کردن به آموزه‌های دینی و قرآنی، امت واحده است. تصور جهان اسلام در قالب امت واحده و کل یکپارچه، که نیروی انسانی و منابع انرژی بسیار زیادی دارد، در نظام بین‌الملل جایگاهی تعیین‌کننده خواهد داشت. حرکت‌هایی در جهان اسلام در این زمینه، مانند کنفرانس اسلامی، حرکت‌های تقریبی و... نیز شکل گرفته است که گفتمان انقلاب اسلامی از منادیان این آرمان و پی‌گیر راهبرد وحدت اسلامی است، ولی مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند رسیدن جهان اسلام را به این آرمان ناکام کند، درگیری‌های مذهبی و تشتت‌های درونی است. کوبیدن بر طبل تکفیر و افراط‌گرایی، جهان اسلام را به درگیری‌های داخلی دچار خواهد ساخت و امت واحده در حد آرمانی دست‌نیافتنی باقی خواهد ماند. یکی از زمینه‌های همگرایی در جهان اسلام، حرکت‌های تقریبی است که علمای شیعه و سنی به آن اهتمام ورزیده‌اند. علمایی مانند «شیخ شلتوت»، «آیت‌الله العظمی



برو جردی (رضی الله عنه)، امام خمینی (رضی الله عنه) و... سیر تفکری را دنبال کرده‌اند که به همگرایی جهان اسلام کمک می‌کند و توجه به مشترکات در این اندیشه، فرصت‌های زیادی برای جهان اسلام فراهم می‌نماید، ولی تحریک جریان‌های تکفیری و حمایت قدرت‌های بین‌المللی از آنها، این سنت فکری و عملی را در تاریخ مسلمانان خدشه‌دار کرده است. گسترش اندیشه‌ی جریان تکفیری، به برجسته شدن افتراق‌های گروه‌های مختلف مسلمانان و فراموش شدن محورهای مشترک و در نهایت، شکسته شدن استراتژی‌های تقرب منجر می‌شود.

(شیخ حسینی و خلیلی، ۱۳۹۳: ۵۲۵)

با توجه به باورهای تنگ‌نظرانه‌ی این جریان‌ها، زمینه‌های شقاق و گسست در کشورهای اسلامی فراهم شده است؛ اختلافاتی که از گذرگاه عقیده عبور کرده و به همه‌ی ساحت‌های دیگر مانند سیاست و اجتماع کشانده شده است، به گونه‌ای که در حلقه‌ی مسلمانی آنان، کمتر مسلمانی قرار می‌گیرد و بسیاری از آن‌ها مستحق قتل و غارت می‌شوند. سلفیه‌ی جدید با توسعه در دایره‌ی بدعت، بسیاری از مسائل علمی، مذهبی و اختلافی را، که سلفیه‌ی قدیم معمولاً در حوزه‌ی اختلافات اجتهادی قرار می‌داد، مشمول بدعت می‌داند و مخالفان خود را به بهانه‌ی بدعت، طرد و تکفیر می‌کند و گاهی نیز به ابزاری دلخواهانه در توجیه حمله به مخالفان نوسلفی بدل می‌شود. این اندیشه بی آن که وجهی مثبت آرا و اعمال انسان‌ها را ببیند، بیشتر دیدگاهی بدبین و عیب‌جویانه است و میل دارد مخالف مذهبی خود را اهل بدعت و بنابراین دشمن پندارد. با این نگره، هم جامعه دچار اختناق شدید در عرصه‌ی علمی می‌شود و هم در حوزه‌ی سیاسی - اجتماعی کسی احساس امنیت نمی‌کند. هر چند، همواره، در کشورهای اسلامی فرقه‌ها و مذاهب مذهبی و کلامی در کنار هم زندگی کرده‌اند و قرن‌ها با هم و در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با گفت‌وگو داشته‌اند، ولی با تأسف باید باور کرد که در چند دهه‌ی اخیر، گروه‌های تکفیری با فتواها و نوشته‌های خود، زمینه‌های آرامش اجتماعی را، که لازمه‌ی پیشرفت جامعه است، از میان برده و زمینه‌های گسست اجتماعی و اختلافات خانمان‌برانداز را فراهم کرده‌اند. (سیدباقری،



جریان‌های تکفیری با تأکید بر تکفیر فرقه‌های اسلامی به ویژه شیعیان، نقش مهمی در واگرایی، شکاف و اختلاف جوامع اسلامی دارد. این موضوع به ویژه به دلیل تعارض مبانی فکری و عملکردی آنان با شیعیان به عنوان روافض و تأکید بر اولویت جهاد با آنان حتی پیش از یهود (اسرائیل)، اهمیت بسیاری دارد، چنانچه با گسترش این اندیشه‌های انحرافی تکفیری، زمینه‌های اجتماعی مقابله با شیعیان و به ویژه ایران (قلب جهان تشیع) در توده‌های مسلمان تقویت می‌گردد. در این زمینه باید توجه داشت که با توجه به اولویت ملت‌ها در سیاست صدور انقلاب اسلامی ایران، گسترش اندیشه‌های تکفیری، یکی از مهم‌ترین موانع جدی فراروی گفتمان انقلاب اسلامی برای دستیابی به وحدت جهان اسلام و از منابع تهدیدآفرین است. (عموری و جاودانی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۶۹)

گفتمان تکفیر با ایجاد انشقاق در امت واحده‌ی اسلامی و انحصار حقانیت بر خویش و «غیر» دانستن مذاهب دیگر (که این ویژگی را از استکبار و امپریالیسم وام گرفته است)، عملاً در پیکره‌ی امت واحده‌ی اسلامی شکاف ایجاد کرده است، در حالی که مذاهب اسلامی در مسائل کلان امت اسلامی، همیشه، دارای وحدت رویه بودند و با وجود اختلافات ریز، هیچ‌گاه کلیت امت اسلامی را تهدید نمی‌کردند. یکی از این مسائل کلان، قضیه‌ی فلسطین بوده است که علمای اسلام در محکوم کردن اشغال و در دفاع از مردم فلسطین و توصیه‌ی مسلمانان به مقابله با اشغالگران بیانیه‌های مهمی صادر نمودند. این در حالی است که گفتمان تکفیر نه تنها درباره‌ی قضیه‌ی فلسطین موضع خنثی دارد، که در مواردی با اشغالگران همسو بوده است. (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۹۴) و به بیان آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، «جریان تکفیر، در مقابل رژیم صهیونیستی یک اخم هم نمی‌کنند و حتی با این رژیم برای مقابله با مسلمانان همکاری می‌کنند، ولی برای ضربه زدن به کشورها و ملت‌های اسلامی، حضور فعال دارند». (آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۳/۹/۴ ش)

۲. به حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل

با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و اعلام حمایت از ملل مسلمان و مستضعف جهان

و نیز حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش، که یکی از سیاست‌های مهم و اصولی ایران در سیاست خارجی به شمار می‌رود، مسئله‌ی حمایت از مردم فلسطین و مبارزه‌ی جدی و مستمر با اسرائیل و صهیونیسم، از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برای مردم و دولتمردان نظام جمهوری اسلامی برخوردار شد و بلافاصله پس از پیروزی انقلاب اسلامی، روابط ایران و رژیم صهیونیستی قطع گشت و سفارت سابق این رژیم در اختیار فلسطینی‌ها قرار گرفت. (مجرد، ۱۳۸۶: ۱۲۹) مسئله‌ی فلسطین، یکی از چالش‌های مهم دهه‌های اخیر جهان اسلام بوده است. اشغال بخشی از جهان اسلام با واکنش متفاوت مسلمانان روبه‌رو شد، به گونه‌ای که چهار جنگ موسوم به جنگ‌های اعراب و اسرائیل به دلیل همین مسئله رخ داد. به تدریج، برخی سران کشورهای اسلامی، اولویت فلسطین را از سیاست خارجی خود حذف کردند و عادی‌سازی روابط با اسرائیل در دستور کار قرار گرفت. دولت «حسنی مبارک» در مصر، نمونه‌ی این فراز و فرود در زمینه‌ی فلسطین بود. هر چند دولت‌های اسلامی در سیاست‌های خود در مورد فلسطین تجدید نظر کردند، جایگاه فلسطین بین ملت‌های مسلمان همچنان برجسته و حساسیت‌برانگیز است و همواره در مناسبت‌های مختلف، مسلمانان با مصائب فلسطینیان همدردی می‌کنند. رشد جریان‌های تکفیری و مشغول کردن جهان اسلام به درگیری‌های درونی، موجب فراموشی فلسطین از اولویت دولت‌ها و ملت‌ها در جهان اسلام شده است. فراموشی فلسطین، زمینه‌ی حملات شدیدتر رژیم صهیونیستی را فراهم کرده و جهان اسلام نیز به دلیل درگیر بودن با مسئله‌ی تکفیر، نتوانسته است راه حل عملی برای حمایت از این مردم مظلوم ارائه دهد. (خلیلی، ۱۳۹۳: ۵۲۵)

امروزه، گفتمان تکفیر و حامیان آن، با ترفند و توجیه‌های بسیاری می‌کوشد به روحیه‌ی مقاومت جامعه‌ی اسلامی آسیب بزند؛ برای نمونه، گفتمان سلطه و تکفیر، مقاومت را در کنار یا همراه با گفتمان تروریستی برمی‌شمارد، در حالی که تفکیک و تمایز مقاومت و تروریسم بسیار روشن است، زیرا مقاومت اهداف مشروع و عادلانه دارد و جز برای دفاع از سرزمین خویش و آزادسازی آن به خشونت دست نمی‌یازد، در حالی که هدف تروریسم،

کشتن شهروندان غیرنظامی و مرعوب ساختن مردم است. کشتار غیرنظامیان یا آسیب رساندن به آن‌ها از دیدگاه تروریست‌ها، مرحله و وسیله‌ای اساسی برای ابلاغ پیامشان و ابزاری برای دستیابی به اهداف سیاسی است؛ از این رو، می‌توان گفت که یکی از مهم‌ترین تهدیدها و پی‌آمدهای پدیده‌ی تکفیر، تضعیف گفتمان مقاومت اسلامی است. (کاظمی، ۱۳۹۳: ۱۹۵)

جریان‌های تکفیری، مسائل اصلی و اساسی جهان اسلام را، که همانا مبارزه با استکبار و صهیونیسم جهانی است، تبدیل به مسائل فرعی نموده و مسائل و اختلافات فرعی داخلی مسلمانان (بین شیعه و اهل سنت) را به دشمنی و مشکلات اصلی تبدیل کرده‌اند. دنیای اسلام، که باید همه‌ی نیروی خود را صرف مقابله با توطئه‌ی رژیم صهیونیستی و دفاع از قدس شریف و مسجدالاقصی نماید، امروز ناچار است به گرفتاری‌هایی مشغول شود که استکبار در دنیای اسلام به وجود آورده است. در واقع، پرداختن به مسئله‌ی تکفیر، بر علمای دنیای اسلام، زبندگان و فرزندگان دنیای اسلام تحمیل شده است؛ این را دشمن به صورت مشکل دست‌ساز وارد دنیای اسلام کرده، در حالی که مسئله‌ی اصلی، رژیم صهیونیستی و دفاع از قدس است. (آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۳/۹/۴)

آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) به شواهد و دلایلی اشاره می‌کنند که جریان‌های تکفیری در فرعی‌سازی مشکلات اصلی جهان اسلام و اصلی‌سازی مشکلات درونی جهان اسلام به صهیونیست‌ها و استکبار جهانی خدمت می‌نمایند:

یکی این است که جریان تکفیر توانست حرکت بیداری اسلامی را منحرف کند. حرکت بیداری اسلامی، یک حرکت ضد امریکا، ضد استبداد، ضد دست‌نشانندگان امریکا در منطقه بود... . جریان تکفیر، این حرکت عظیم ضد استکباری و ضد امریکایی و ضد استبدادی را تغییر جهت داد به جنگ بین مسلمانان و به برادرکشی. خط مقدم مبارزات در این منطقه، مرزهای فلسطین اشغالی بود. جریان تکفیر آمد این خط مقدم را تبدیل کرد به خیابان‌های بغداد و مسجد جامع سوریه و دمشق و خیابان‌های پاکستان و شهرهای مختلف سوریه و اینها شد خط مقدم مبارزه!... شاهد دیگر این است که کسانی که پشتیبان جریان



تکفیرند، با رژیم صهیونیستی می‌سازند تا با مسلمان‌ها بجنگند. به رژیم صهیونیستی اخم هم نمی‌کنند، اما نسبت به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی به بهانه‌های مختلف، انواع و اقسام ضربه‌ها را می‌زنند و توطئه می‌کنند. (آیت‌الله العظمی خامنه‌ای^(مدظله‌العالی))
(۱۳۹۳/۹/۴ ش)

۳. خشونت‌گرایی و خدشه‌دار نمودن رویه مسالمت‌آمیز انقلاب اسلامی

اسلام، دین صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز است. بر همین مبنا، گفتمان انقلاب اسلامی رویکردی صلح‌آمیز به روابط بین‌الملل دارد و جنگ و جهاد در این اندیشه، دارای ضوابط و قواعد اسلامی، منحصر در دفاع و استقلال‌طلبی است و درست در همین جاست که ماهیت جهاد در اندیشه‌ی شیعی، تفاوت‌های ماهوی فراوانی با خشونت‌گرایی گروه‌های تکفیری می‌یابد. در گفتمان انقلاب اسلامی، صلح و همزیستی مسالمت‌آمیز اصالت دارد و جنگ و جهاد برای تأمین این هدف است و موضوع جنگ، حالت استثنایی می‌یابد. (مرادی، ۱۳۹۳) در برابر گفتمان انقلاب اسلامی، گفتمان تکفیری قرار دارد که با کج‌فهمی، تأکید می‌ورزد که عرصه‌ی روابط خارجی، صحنه‌ی مبارزه و جهاد (در خشونت‌آمیزترین شکل آن) بین جبهه‌ی حق، مشتمل بر اعضای فرقه‌ی کوچک و افراطی وهابی، با جبهه‌ی باطل است که همه‌ی مذاهب اسلام، ادیان الهی و فرهنگ‌های دیگر ملت‌ها را شامل می‌شود. گروه‌های تکفیری، مفهوم جهاد را بدون توجه به اصول و مجوز شرعی آن در سطحی عامیانه و فقط در قالب مبارزه‌ی مسلحانه مطرح می‌کنند. این گروه‌ها نه تنها همزیستی مسلمانان با غیرمسلمانان را ناممکن می‌دانند، که تکثرهای جامعه‌ی مسلمان را نیز نفی می‌کنند. (جوکار، ۱۳۸۶) عملیات‌های انتحاری و تروریستی گروه‌های تکفیری آن هم به صورت گسترده و سازمان‌یافته در کشورهای اسلامی و ضد مردم بی‌گناه، پدیده‌ی جدیدی در تاریخ اسلامی است که پس از حادثه‌ی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، به شدت مورد توجه جهانیان قرار گرفت. این تاکتیک‌ها یا روش‌ها، ضمن این که فی‌نفسه به حاکمیت فضای غیرعقلانی، رشد تعصبات کور مذهبی و نضج برخی انگاره‌ها و گرایش‌های افراطی



و به شدت احساساتی و انتقام‌جویانه بین مسلمانان کمک می‌کند، اساساً در تعارض با رویکرد و مشی مسالمت‌آمیز گفتمان انقلاب اسلامی قرار دارد، زیرا سیاست متکی بر مبانی اسلام در گفتمان انقلاب اسلامی، ناظر به «عقلانیت و نفی خشونت» است؛ بنابراین، اقدامات تروریستی تکفیری‌ها و تبدیل آن به قاعده‌ی تحت پوشش «جهاد»، موجب می‌شود اولاً این مسئله در فرایند تبلیغاتی سوء به نام «اسلام» و یکسان‌انگاری «جهاد» با «ترور» تمام شود و اقدامات تروریستی جریان‌های تکفیری در ردیف مقاومت مقدس حزب‌الله، ذیل بنیادگرایی تعریف گردد. ثانیاً به دلیل اراده‌های موجود برای «این همانی‌گرایی‌های مختلف اسلام‌گرایی»، شعارهای حقیقی گفتمان انقلاب اسلامی تحت‌الشعاع قرار گرفته، اعتبارش را نزد افکار عمومی از دست بدهد. (سیدنژاد، ۱۳۸۹، ص ۹۵-۱۲۲)

جریان‌های تکفیری که اسلام را دین خشونت و تخریب معرفی می‌کنند، از مسلمانان نیستند و آن‌ها بدترین بهانه را به دست اسلام‌ستیزان می‌دهند و سبب گسترش اسلام‌ستیزی، اسلام‌گریزی و اسلام‌هراسی در جهان می‌شوند، در حالی که اسلام، دین رحمت است. خداوند پیوند همه‌ی انسان‌ها را مودت و رحمت قرار داده، نه وحشت و جنایت. (آیت‌الله‌العظمی مکارم شیرازی، ۸ بهمن ۱۳۹۴ش) براساس تحلیل‌های ناقص و ناشایست، جریان‌های تکفیری در کشورهای مختلف اسلامی در گام نخست، به سراغ جوامع اسلامی و مسلمانان رفته، به نام جهاد، جنایت‌ها، کشتارها و ترورهای مختلفی انجام می‌دهند؛ امری که امروزه در کشورهای مختلف مانند عراق، افغانستان، پاکستان، سوریه، مصر و اردن شاهد هستیم. این باورها، زمینه‌های گسترده‌ی فروپاشی نظم عمومی، نظام‌های سیاسی، امنیت سرمایه‌گذاری، مشارکت عمومی، پشتیبانی سیاسی و پیشرفت را در همه‌ی ساحت‌های جوامع کند کرده، حتی رو به عقب می‌رانند. (سیدباقری، حسنی و ملاشفیعی، ۱۳۹۳: ص ۳۴۷-۳۶۳)

جریان‌های تکفیری، که امروزه با مصادیق مختلفی مانند داعش، جبهه‌النصره و... در منطقه شکل گرفته‌اند، با ارائه‌ی تصویری غیرواقعی، وهم خشونت‌آمیز و به معنای واقعی کلمه، کاریکاتوری از اسلام اصیل، نقش مهمی در تقویت اسلام‌هراسی در غرب دارد. این

مسئله، به ویژه با استفاده‌ی ابزارهای قدرت‌های غربی از این جریان و انتشار گسترده‌ی جナイات غیرانسانی آنان در رسانه‌های بین‌المللی و تأکید بر ماهیت تروریستی ایدئولوژی اسلامی آن، عملاً در تقابل با اندیشه‌ی آرمانی گفتمان انقلاب اسلامی ایران برای بسط آموزه‌های انسانی و اخلاقی اسلام اصیل ناب محمدی ﷺ در جهان است؛ از این رو، با توجه به ماهیت بنیادین انقلاب اسلامی بر مبنای حاکمیت اسلام سیاسی، عملاً تقویت این چهره‌ی خشن از اسلام، ابعاد نرم‌افزاری قدرت فرامرزی انقلاب اسلامی را با تهدید روبه‌رو می‌کند. (عموری و جاودانی مقدم، ۱۳۹۳: ۳۶۹)

۴. تقابل با حکومت مبتنی بر هویت شیعی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران و تشکیل حکومت اسلامی بر مبنای آموزه‌های شیعی، برخی کشورهای منطقه حساسیت زیادی به این امر نشان داده‌اند. جمهوری اسلامی، ضابطه‌ها و هنجارهای موجود در سیاست خارجی را براساس آموزه‌های اسلام سیاسی شیعی تنظیم کرد. این رویکرد سبب گردید:

اولاً در منطقه، برخی از کشورها انقلاب اسلامی را خطر بالقوه و تهدیدکننده‌ی امنیت ملی تلقی کنند. در نتیجه، کشورهای حاشیه‌ی خلیج فارس، که خود را آسیب‌پذیرتر از کشورهای دیگر می‌دیدند، در مناسبات خود با جمهوری اسلامی ایران احتیاط می‌کردند. اتحاد کشورهای عربی در جنگ عراق با ایران، گویای این واقعیت است.

ثانیاً بازیگران عرصه‌ی روابط بین‌الملل نیز جمهوری اسلامی ایران را نیروی برهم‌زننده‌ی نظم جهانی قلمداد کنند؛ بنابراین، چالش با انقلاب اسلامی، بیشتر از داخل مرزها احساس می‌شود تا بیرون مرزهای اسلامی، اگرچه این سخن به آن معنا نیست که تهدید خارجی وجود ندارد. (فلاح، ۱۳۹۳: ۳۴۹)

رشد جریان‌های تکفیری با حمایت برخی دولت‌های اسلامی برای اهداف استراتژیک خویش در منطقه، منجر به منازعه‌ی مذهبی در قالب تقابل شیعه- سنی شده است. این امر در بحران‌های کنونی و کشتارهای خونین شیعیان به دست گروه‌های تکفیری در سوریه و



عراق عینیت یافته است. حساسیت روی هویت شیعی، یکی از بارزترین نقاط اشتراک طیف‌ها و گرایش‌های گوناگون سلفی‌گری است، با این تفاوت که طیف معتدل آن، شیعیان را «مسلمانان منحرف و بدعت‌گذار» می‌نامد که احياناً جوامع سنی در معرض تهدید و حمله‌ی آن‌ها قرار می‌گیرند، ولی طیف افراطی سلفیون، بی‌واهمه، تشیع را «دین خودساخته» می‌خوانند. زبان و ادبیات ایدئولوژیک سلفی‌گری در این باره، نظام نشانه‌شناسی است که تحلیل گفتمان «زرقاوی» یا آثار دیگر مانند کتاب «عبدالرحمن عطیه‌الله»، از نظریه‌پردازان و چهره‌های شاخص القاعده، نمودار آن است: شیعه نه تنها از مارکین و خارجین از امت است، که متعلق به دین خودساخته‌ای است که هدف نهایی آن از طریق ایران، سلطه بر اهل سنت و به دست گرفتن زمام رهبری امت اسلامی است.

این تصویرسازی ضد ایرانی و ضد شیعی، با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی فرهنگ، در عراق رو به گسترش است، به ویژه پس از سال ۲۰۰۳م، که از نظر سلفی‌ها، عراق از دست «اسلام راستین» خارج شده و به دست «رافضان شیعه» افتاده است. (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۰۷ و ۱۰۸)

جریان‌های تکفیری به مخالفت آشکار با اندیشه‌ی شیعی و به ویژه انقلاب اسلامی می‌پردازند و در اندیشه و خیال خود، با تفکر شیعی و انقلاب اسلامی دشمنی، مخالفت و مبارزه می‌نمایند. در این زمینه رهبر انقلاب (مدظله‌العالی) معتقدند: امروز عده‌ای در بخش‌های مختلف دنیای اسلام به نام گروه‌های تکفیری و وهابی و سلفی، ضد ایران، ضد شیعه، ضد تشیع، دارند تلاش می‌کنند، کارهای بدی می‌کنند، کارهای زشتی می‌کنند، اما اینها دشمن‌های اصلی نیستند؛ این را همه بدانند. دشمنی می‌کنند، حماقت می‌کنند، اما دشمن اصلی، آن کسی است که اینها را تحریک می‌کند، آن کسی است که پول در اختیارشان می‌گذارد، آن کسی است که وقتی انگیزه‌ی آن‌ها اندکی ضعیف شد، با وسایل گوناگون آن‌ها را انگیزه‌دار می‌کند؛ دشمن اصلی، آن کسی است که تخم شکاف و اختلاف را بین آن گروه نادان و جاهل و ملت مظلوم ایران می‌افشاند؛ اینها آن دست پنهانِ سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی است. (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی))

ب. چالش‌های فرهنگی جریان‌های تکفیری

در قالب نظریه‌ی بحران، یکی از مراحل اساسی حل بحران، شناسایی مشکل و معضل است. در مسئله‌ی جریان‌های تکفیری باید مورد بررسی قرار گیرد که این جریان‌ها برای موجودیت انقلاب اسلامی و گفتمان آن چه مشکلات و معضلاتی ایجاد نموده‌اند. در این باره گفتنی است جریان‌های تکفیری مشکلات و چالش‌های متعددی ضد گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آورده است. چالش‌های موجود ابعاد گوناگونی دارد که در این پژوهش، چالش‌های فرهنگی مورد بررسی قرار می‌گیرد. به نظر می‌رسد چالش‌های فرهنگی‌ای که این جریان‌ها ضد گفتمان انقلاب اسلامی به وجود می‌آورند، شامل مواردی همچون تضعیف بسترهای گفت‌وگوی منطقی، شبهه‌افکنی و تردید در اعتقادات، تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و ایجاد تقارن بین ایرانیت و تشیع در مقابل عربیت و تسنن می‌شود که در ادامه تبیین می‌نماییم و توضیح می‌دهیم.

۱. تضعیف بسترهای گفت‌وگوی منطقی

یکی از شرایط حرکت در جهت پویندگی و پیشرفت، حاکم بودن شرایط تفاهم و گفت‌وگوی منطقی در کشورها، دولت‌ها، مذاهب و جریان‌های فکری است؛ در فرایند مفاهمه، همه‌ی امور، روندی استدلالی و همدلانه پیدا می‌کند و برای رسیدن به پیشرفت، هیچ‌گاه باب گفت‌وگو و استدلال منطقی بسته نمی‌شود تا زمینه‌های پیشرفت در جوامع فراهم گردد و افراد به سادگی به غیرخودی بودن، ارتداد، شرک، کفر و مهدورالدم بودن متهم نشوند. با توجه به این نکته، جریان‌های تکفیری، از مجموع آرا و اندیشه‌های اجتهادی خود، عنوان جداگانه‌ای برای شخصیت اسلامی خویش ساخته‌اند، به گونه‌ای که آن‌ها را از دیگر مسلمانان دور کرده است؛ آنان از تفکرات خود دژ می‌سازند تا از درون آن با هر کس که با رأی آن‌ها مخالفت کند، خشونت‌آمیز برخورد کنند. طبیعی است که با این تصور، باب هر گفت‌وگویی بسته می‌شود و زبان منطق در کام می‌رود و زبان شمشیر حرف نهایی را می‌زند.



در برخی مواقع، برخورد با اندیشه‌های مخالف و خارج از چارچوب اندیشه‌های حاکم و تحمل‌ناپذیری آن تا جایی پیش می‌رود که برخی از اهل فکر هم با هر گونه فکر مغایر با اندیشه‌ی خویش شدیداً مخالفت کرده، حاضر به تحمل تفکر مخالف نبوده، برداشت خود را از دین، عین دین تلقی می‌کنند. بر پایه‌ی این پندارها و توهمات که پشتوانه‌ی تمام‌عیار ایدئولوژیک یافته است، در جریان‌های تکفیری اصولاً هیچ جایگاهی برای تفاهم و گفت‌وگو وجود ندارد. (سیدباقری، حسنی و ملاشفیعی، ۱۳۹۳: ص ۳۴۷-۳۶۳)

جریان‌های تکفیری، با توجه به ابتلا به سطحی‌نگری و کوتاه‌بینی، از صدور حکم ارتداد برای شیعیان و بسیاری از اهل سنت ابایی ندارند. اقدامات گروهک‌هایی مانند القاعده، داعش و النصره در سال‌های اخیر نشان داد این جریان‌ها در تکفیر مسلمانان دیگر، بین شیعه و سنی یا زن و مرد، کودک و بزرگ تفاوتی قائل نیستند و همه را از دم تیغ می‌گذرانند که ناشی از سطح‌نگری در دین و کوتاه‌فکری در درک معارف و شریعت الهی است. در این زمینه، مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) با تأکید بر این که جریان تکفیری و افراطی، روحیه‌ی تحجر، ارتجاع و جمود را تقویت می‌کنند، معتقدند:

اسلام باید محور باشد. فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد. سعی کردند وانمود کنند که شریعت اسلامی با پیشرفت و تحول و تمدن و اینها سازگار نیست. این، حرف دشمن است؛ نخیر، کاملاً سازگار است. البته در دنیای اسلام کم نیستند کسانی که با روحیه‌ی تحجر و ارتجاع و جمود و عدم قدرت اجتهاد توانسته‌اند این حرف دشمن را به نحوی تبیین و اثبات کنند. اینها مسلمان‌اند، اما در خدمت آنهایند. ما در اطراف خودمان، در برخی از این کشورهای اسلامی، از این قبیل داریم؛ اسمشان مسلمان است، اما یک ذره فکر نو، نگاه نو، فهم نواز معارف اسلامی، انسان در آنها مشاهده نمی‌کند. بعضی‌ها فقط بلدند این را تکفیر کنند، آن را تفسیق کنند، اسم خودشان را هم مسلمان بگذارند. (آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۱/۹/۲۱ ش)

۲. شبهه افکنی در اعتقادات شیعه

یکی از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی در جهان اسلام، گسترش فرهنگ برخاسته از گفتمان انقلاب اسلامی، بیداری و خودآگاهی قرآن‌محور در جوانان و دانشمندان و استقبال آنان از این حرکت اصیل و مذهب نورانی مطابق با سنت راستین و ناب محمدی (ص) است. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران و گسترش تفکر ضد تحجر و خیزش بیدارگونه‌ی مسلمانان در جهان اسلام، جریان تکفیری - وهابی با ایجاد شبکه‌های فرهنگی و سایت‌های ضدشیعی، سعی در جلوگیری از همه‌گیری این تفکر نمود، هر چند این شبکه هدف ظاهری خود را گسترش اخلاص در توحید و جنگ با شرک و بت‌پرستی قلمداد نمود، ولی واقعیت این جریان چه از جهت فکری و چه از منظر عملی این هدف را تأیید نکرده، عملاً عرصه‌ی تاریخی و آینده‌ی پیش روی آن جز تاریکی، ظلم و وحشت را نوید نمی‌دهد. این جریان با مخدوش ساختن چهره‌ی انقلاب اسلامی می‌کوشد مانع از نشر افکار آزادی‌خواهانه‌ی آن گردد؛ بنابراین، به دنبال شبهه‌افکنی در اعتقادات شیعه است که مبانی اعتقادی گفتمان انقلاب اسلامی تشکیل می‌دهد. براساس این، کارگزاران جریان‌های سلفی تکفیری، در مورد تشیع به نشر کتاب و مقاله‌های فراوان و مصاحبه و برنامه‌های تلویزیونی می‌پردازند که هدف از آن، ارائه‌ی تصویر غیرمنطقی و نپذیرفتنی از تشیع است. (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۹۲: ۵۳)

شبهه‌افکنی این جریان ضد شیعیان و ابراز تردید در اصول و مبانی مذهب تشیع، افزون بر خصومت وهابیت و تکفیری‌ها با انقلاب اسلامی، از نگرانی جدی آن‌ها درباره‌ی گسترش تشیع در جهان اسلام به دلیل بهره‌گیری از آموزه‌های اخلاقی، انسانی و ایمانی حکایت می‌نماید. وهابیون و جریان‌های تکفیری از سر ناآگاهی یا لج‌بازی، با بسیاری از عقاید شیعه به مخالفت پرداخته، درباره‌ی آن‌ها ابراز تردید و ایجاد شبهه کرده، از آن بدتر، عقاید شیعه را به تمسخر می‌گیرند. این جریان‌ها، توسل، شفاعت، نذر، تبرک، بنای قبور، استغاثه به ارواح اولیا و دیگر معتقدات شیعه را در حالی که درک نمی‌کنند، مورد انکار قرار می‌دهند. در واقع، جریان‌های تکفیری با درک نادرست از مفهوم بدعت و شرک، مسلمانان

دیگر را مطرود دانسته، اعمال آن‌ها را تخطئه می‌کنند، حال آن که به اعمالی روی آورده‌اند که بدعت و تخلف از سیره‌ی قطعی رسول اکرم (ص) و اولیای الهی است. (هرسیج و تویسرکانی، ۱۳۹۲: ۵۴) براساس این، جریان‌های تکفیری، در تقابل با گفتمان انقلاب اسلامی به دنبال تضعیف آموزه‌های این گفتمان و تردید در اعتقادات شیعی هستند.

۳. تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی

علت‌یابی این مسئله را باید در تأثیر انقلاب اسلامی بر معادلات کلان منطقه‌ای و نظام بین‌الملل در دهه‌های اخیر جست‌وجو کرد. مروری بر این تحولات، بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر در معادله‌ی قدرت در مجموعه‌ی امنیتی خاورمیانه، تغییر معادلات ایدئولوژیک بوده است. دلیل مؤید این مدعا، تغییر مناسبات امنیتی و الگوهای دوستی و دشمنی به موازات تغییر یا جابه‌جایی ایدئولوژی‌های حاکم همچون پان‌عربیسم، مارکسیسم و اسلام‌گرایی سیاسی است. در این میان، پیروزی انقلاب اسلامی، نقطه‌ی عطفی در آخرین تحول ایدئولوژیک، به ویژه در منطقه پیرامونی، به شمار آمد، زیرا پیرو آن، ماهیت نزاع‌های اصلی در خاورمیانه تحت تأثیر اسلام‌گرایی قرار گرفت. در عین حال، چون اسلام‌گرایی گرایش‌های مختلف و گاه متعارض با یکدیگر دارد، این مسئله اهمیت خود را بیش از پیش در این تحولات نشان داد. تقابل جریان‌های تکفیری مانند القاعده و داعش به عنوان گروه افراطی، پی‌آمدهای ایدئولوژیک بر انقلاب اسلامی داشته است:

الف. در بعد منطقه‌ای، به نظر می‌رسد جریان‌های تکفیری در برخی عرصه‌ها، انقلاب اسلامی را با تهدید روبه‌رو می‌سازد که می‌توان آن را «منزلت ایدئولوژیک» نامید، به این معنا که مهم‌ترین مزیت انقلاب اسلامی در منطقه، مقام و منزلت ایدئولوژیک آن بین مسلمانان و حتی غیرمسلمانان است. این جایگاه مثبت از جنبه‌ی معنوی به امت اسلامی وحدت سیاسی می‌بخشد. به طور حتم، تداوم منزلت ایدئولوژیک و ارتقای آن، منوط به تضعیف شکاف‌های «سنی - شیعه» و «عرب - عجم» در برابر تضاد «اسلام - غرب» و «اسلام - صهیونیسم» است. تهدید جریان‌های تکفیری به چند دلیل عمده، این منزلت را



مخدوش و معادله‌ی فوق را معکوس می‌کند: اولاً با دست‌آویزهای مذهبی، همزیستی شیعه و سنی را در منطقه به شدت به مخاطره می‌اندازد. ثانیاً شکاف «سنی - شیعه» را در برابر شکاف «اسلام - غرب» تقویت می‌نماید. از این منظر، رویکرد تکفیری در تلاقی با جهت‌گیری قدرت‌های غربی - صهیونیسم قرار می‌گیرد که به جای خط مشی «وحدت‌گرایانه»، اختلاف و واگرایی را گسترش می‌دهد که به منزله‌ی تضعیف شأن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در بُعد منطقه‌ای است. (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۴۲)

ب. یکی دیگر از وجوه تمایز انقلاب اسلامی با دیگر جنبش‌های سیاسی معاصر، توانایی ایدئولوژیک آن است، یعنی افزون بر این که پیام و ایدئولوژی سعادت‌بخشی برای نهضت‌های مردمی به ارمغان آورد، راهبردهای قدرت‌های غربی را در منطقه به چالش سرنوشت‌سازی کشاند. انقلاب اسلامی با چنین ظرفیتی، مبنای تحولات جدید اجتماعی - سیاسی در قالب ضدیت با استعمار غربی شد، به گونه‌ای که امروزه حتی این انقلاب در نظر غیرمسلمانان به نماد قدرتمند و افتخارآمیزی برای مبارزه با امپریالیسم و استکبار جهانی تبدیل شده است. جریان‌های تکفیری، با تکیه بر شکاف مذهبی و فرهنگی می‌کوشند ضمن کاستن از توان ایدئولوژیک انقلاب اسلامی، در فرایند نفوذ منطقه‌ای و احیاناً جهانی آن اخلال نمایند. می‌توان ظهور عینی این مسئله را در تحولات سال‌های اخیر در عراق و سوریه و اقدامات داعش تحلیل کرد. (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۱)

۴. ایجاد تقارن بین «ایرانیت و تشیع» در برابر «عربیت و تسنن»

یکی از هنجارهای مورد مناقشه در محاسبات جریان‌های تکفیری، مسئله‌ی «عربیت» و تمایز آن با «فرهنگ عجم» است و در برخی از جریان‌های افراطی، آثار و تعلقات قومی عربی بسیار برجسته است. برخی از نویسندگان عرب برای ایجاد ارتباط بین عربیت و اسلام، حدیث مشکوکی را مستمسک قرار داده، بیان می‌داند هرگاه عرب خوار شد، اسلام خوار می‌شود. همچنین بعضی‌ها در کتابی تحت عنوان محمد (ص)؛ رسول عرب تصریح کردند که خدا قادر بود اسلام را بر ملل دیگر نازل کند، ولی اعراب را برگزید، زیرا اعراب



شایسته‌ترین قوم بودند. این تلقی از عربیت و اسلام، با توجه به سلطه‌ی دیرپای پان‌عربیسم در برخی کشورهای عربی، خود به خود مخالفت با انقلاب اسلامی را، که انقلابی غیرعربی و نیز شیعی بود، به ویژه بین اعراب سنی توجیه می‌نماید. جریان تکفیری در بستر فرهنگی مذکور، با ایجاد تقارن بین قومیت ایرانی و مذهب شیعه از سویی و تأکید بر تمایز و اختلاف آن با قومیت عربی و مذهب اهل سنت، از سوی دیگر، موجبات افتراق هرچه بیشتر آن‌ها را تدارک نموده، به اختلافات تاریخی اعراب و ایرانی‌ها دامن می‌زند. در این باره، برخی جریان‌ات سلفی با تفکیک ضمنی «اسلام عرب» و «غیرعرب» می‌کوشند از ظرفیت‌های قومی و عربی در مناسبات خود ضد انقلاب اسلامی بهره ببرند، زیرا از دیدگاه این جریان‌ها، انقلاب اسلامی، غیرعربی و شیعی است، همچنان که همین طیف، در جریان جنگ تحمیلی عراق با ایران، جانب عراق را گرفتند، با این توجیه که هویت عربی و فارسی در حال جنگ‌اند. این موضوع آنچنان در فرهنگ سیاسی برخی سلفی‌های افراطی دارای اهمیت و اعتبار سیاسی است که امروزه، هم «عربیت» و هم «اسلام‌گرایی سلفی» در برخی کشورهای عربی، حامل «نوعی ضدیت با ایران و شیعه» است. هر چند میزان آن در کشورهای مختلف فرق می‌کند، جمع هر دو را می‌توان به وجه ملموس در جریان‌های تکفیری دید. (سیدنژاد، ۱۳۸۹: ۱۱۲)

راهکارهای مقابله با جریان‌های تکفیری

در چارچوب نظریه‌ی بحران، وقتی مشکل، معضل و بحران شناسایی گردید، مرحله‌ی دیگر و اساسی، ارائه‌ی راه حل و راهکار حل بحران است. براساس این، با توجه به بحران‌ها و چالش‌های مختلفی که جریان‌های تکفیری ضد انقلاب اسلامی و گفتمان آن ایجاد کرده‌اند، به منظور مقابله با این چالش‌ها، چه راهکارها و راه‌حلی وجود دارد؟ به نظر می‌رسد به تناسب چالش‌های موجود، می‌توان راهکارهای گوناگونی ارائه داد و از نظر سیاسی به مواردی مانند دیپلماسی و تنش‌زدایی بین کشورهای اسلامی، همگرایی اسلامی و تلاش برای خنثی‌سازی توطئه‌ی تفرقه، روشنگری درباره نقش سیاست‌های استکباری،

تلاش برای تقویت جریان‌های فکری سیاسی معتدل در جهان اسلام و از نظر فرهنگی نیز مواردی مانند تبیین درست گفتمان عقلانی انقلاب اسلامی، آگاهی بخشی درباره‌ی جریان‌های تکفیری و مخاطرات آن و... اشاره نمود. در ادامه، به صورت ادغام شده به توضیح و تبیین برخی از آن‌ها می‌پردازیم:

۱. تبیین درست گفتمان عقلانی انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین راهکارها برای مقابله با چالش‌های جریان‌های تکفیری، تبیین درست و ترویج گفتمان انقلاب اسلامی است. برای تبیین گفتمان انقلاب اسلامی باید عناصر اصلی آن را شناخت تا بتوان تهدیدات آن را نیز شناسایی نموده، در نهایت راهکارهای متناسب با آن را ارائه کرد. مردم کشورهای مختلف دنیا باید با این گفتمان آشنا شوند. متولیان امر نیز همواره علاوه بر تبیین درست این گفتمان، در عمل نیز بر آن تأکید داشته، از طریق ابزارهای گوناگون سخت‌افزاری، نرم‌افزاری و نیز راهکارهای سیاسی، به دنبال ترویج گفتمان انقلاب اسلامی باشند.

۲. آگاهی بخشی درباره‌ی جریان‌های تکفیری و مخاطرات آن

یکی دیگر از مهم‌ترین راهکارهای مقابله با جریان‌های تکفیری، شناسایی و معرفی کامل این جریان‌هاست، زیرا جریان‌های تکفیری به نام اسلام و با عملکرد منفی و خشن خود، به اسلام و مسلمانان ضربه زده، آبروی اسلام را می‌برند. براساس این، در مرحله‌ی اول باید این جریان‌ها معرفی و شناسایی و انگیزه‌هایشان بررسی و ریشه‌های افکار آن‌ها شناسایی شود تا بتوان با آن‌ها مقابله نمود. در این باره، یکی از راه‌ها، تبیین رابطه‌ی تکفیری-ها و وهابیت است، زیرا بی‌شک، گروه‌های تکفیری، ثمره‌ی وهابیت است و اگر این رابطه به خوبی به مردم نشان داده شود، یکی از بهترین پاسخ‌ها به این فرقه و گروه‌های سلفی و تکفیری خواهد بود. (مکارم شیرازی: ۱۳۹۴/۱۱/۰۸ ش) همچنین در این زمینه آگاهی بخشی درباره‌ی خطرات جریان‌های تکفیری می‌تواند به صورت هدفمند به نتیجه‌ی مطلوبی برسد. اگر مردم از ماهیت جریان‌های تکفیری آگاه شوند که از سویی تکفیر در



ذات آن‌ها نهفته است و فقط خودشان را حق می‌دانند و همه را کافر می‌شمارند، از سوی دیگر هم ابزاری برای قدرت‌های استکباری هستند و عملکرد خشن و جنایت‌های هولناک آن‌ها در کشتن زنان و کودکان بی‌گناه نماد و معرفی‌کننده‌ی چهره‌ی اسلام است، به طور قطع از آن‌ها متنفر شده، به آن‌ها هرگز تمایل نشان نمی‌دهند. (آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مدظله‌العالی)، ۱۳۹۲/۲/۱۶ ش)

۳. دیپلماسی و تنش‌زدایی بین کشورهای اسلامی

یکی از راهکارهای مقابله با تهدیدهای جریان‌های تکفیری، دیپلماسی فعال و تنش‌زدایی بین کشورها، به ویژه تنش‌زدایی با دولت‌های ذی‌نفوذ اسلامی و اعتمادسازی با قدرت‌های منطقه‌ای است. به‌کارگیری ابزار دیپلماسی در روابط با کشورهای منطقه، به زدودن مسائل امنیت‌محور و اعتمادزایی و گسترش روابط متوازن و ارائه‌ی تصویر واقع‌بینانه کمک می‌کند و ضمن کاهش دخالت قدرت‌های فرامنطقه‌ای، موجب تأمین اهداف و منافع ملی ایران خواهد شد.

۴. همگرایی اسلامی و تلاش برای خنثی‌سازی توطئه تفرقه

مسئله‌ی وحدت و همگرایی اسلامی، یکی از راهکارهای اساسی در برخورد با بسیاری از مشکلات و چالش‌های جهان اسلام مانند مقابله با جریان‌های تکفیری است. ادبیات اسلام، مشحون از مفاهیمی است که با تصریح و تلویح، مسلمانان را دعوت و امر به وحدت می‌نماید و از تجزیه و تفرقه می‌هراساند. توجه به ادبیات همگرایانه از آن رو اهمیت دارد که جریان‌ها و گروه‌های تکفیری دقیقاً خلاف رویکرد قرآن و سنت، بر تفرقه، ناسازگاری و گسست امت اسلامی پای می‌فشارند. (دانشیار، ۱۳۹۳: ۹۳) براساس این، وحدت و همگرایی اسلامی ضرورت پیدا می‌کند تا از جنگ، خون‌ریزی، مفاسد و تروریسم کور به بهانه‌ی اختلافات مذهبی جلوگیری شود و در این زمینه، به نظر می‌رسد تکیه بر مشترکات راهکار مناسبی باشد، زیرا مشترکات مسلمانان بیشتر از موارد اختلافی است.

۵. شناخت و روشنگری درباره‌ی نقش سیاست‌های استکباری

یکی از راهکارهای اساسی و تعیین‌کننده برای مقابله با جریان‌های تکفیری، شناخت و توجه به نقش قدرت‌های استکباری و سیاست‌های آن‌ها در شکل‌گیری و تقویت جریان‌های تکفیری است و بدون توجه به این مسئله و روشنگری در این زمینه، مقابله با این جریان‌ها به موفقیت نخواهد رسید. براساس این، باید به سیاست و حمایت قدرت‌های استکباری از این جریانات توجه نموده، روشنگری‌های لازم صورت گیرد.

۶. تقویت جریان‌های فکری سیاسی معتدل در جهان اسلام

یکی از راهکارهای سیاسی، که در زمینه‌ی مقابله با جریان‌های تکفیری اهمیت دارد، توجه، ارتباط و تقویت جریان‌های سیاسی معتدل در جهان اسلام است، زیرا در کشورهای اسلامی تنها گروه‌های رادیکال و تکفیری مانند القاعده، داعش یا گروه‌های وابسته به آن فعال نیستند؛ گروه‌ها و جریان‌های معتدل در این کشورها بسیار قدرتمندتر از تکفیری‌ها هستند؛ بنابراین، وجود جریان‌های معتدل در جهان اسلام، از فرصت‌های مهمی است که باید به منظور مقابله با جریان‌های تکفیری، تقویت شده، در عرصه‌های گوناگون فکری، فرهنگی و سیاسی همکاری و تعامل نمود که طبعاً با تقویت چنین گروه‌هایی، جریان تکفیر به حاشیه‌ی کامل خواهد رفت.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در مقاله‌ی حاضر در چارچوب نظریه‌ی بحران توماس اسپریگنز، چالش‌های سیاسی فرهنگی جریان‌های تکفیری ضدگفتمان انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار گرفت. چالش‌های سیاسی - فرهنگی، که این جریان‌ها ضدگفتمان انقلاب اسلامی به وجود می‌آورند، شامل مواردی مانند تضعیف راهبرد وحدت اسلامی، حاشیه‌رانی مبارزه با اسرائیل و ایجاد درگیری داخلی برای گفتمان انقلاب اسلامی، خشونت‌گرایی و خدشه‌دار نمودن رویه‌ی مسالمت‌آمیز انقلاب اسلامی، تقابل با هویت شیعه، تضعیف بسترهای گفت‌وگوی منطقی، شبهه‌افکنی و تردید در اعتقادات و تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب

اسلامی می‌شود.

به تناسب چالش‌های مطرح‌شده، راهکارهای لازم برای مقابله با این چالش‌ها نیز ارائه گردید. در صورتی که جریان‌های تکفیری، آرمان و راهبرد وحدت اسلامی را تهدید کرده، در گفتمان انقلاب اسلامی به دنبال ایجاد درگیری است و با خشونت‌گرایی، رویه‌ی مسالمت‌آمیز انقلاب اسلامی را خدشه‌دار می‌نماید، باید در مرحله‌ی نخست گفتمان عقلانی انقلاب اسلامی به درستی تبیین گردد، از طریق دیپلماسی و تنش‌زدایی بین کشورهای اسلامی، مسیر همگرایی اسلامی هموارتر شود و با روشنگری در زمینه‌ی نقش سیاست‌های استکباری، روشنگری جریان‌های فکری سیاسی معتدل در جهان اسلام تقویت گردد. همچنین از آن جایی که جریان‌های تکفیری، بسترهای گفت‌وگوی منطقی را تضعیف نموده، شبهه‌افکنی و تردید در اعتقادات ایجاد کرده، جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی را تضعیف می‌نمایند، باید با معرفی کامل جریان‌های تکفیری و آگاهی‌بخشی درباره‌ی خطرات آن، به تبیین و ترویج اسلام رحمت‌پرداخته، از طریق دیپلماسی فرهنگی و تقویت دیپلماسی رسانه‌ای، تلاش‌هایی به منظور تقریب مذاهب اسلامی صورت گیرد.

برای عملیاتی‌سازی راهکارهای مذکور، باید اقداماتی مانند گفت‌وگوی مجالس کشورهای اسلامی، اتخاذ دیپلماسی مشترک همچون محور قرار دادن سازمان کنفرانس اسلامی، تحریم تسلیحاتی اقتصادی جریان‌های تکفیری، تقویت محور مقاومت، تشکیل ائتلاف منطقه‌ای، افشای نقش برخی قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در حمایت از این جریان‌ها، استفاده از ابزارهای گوناگون سخت‌افزاری و نرم‌افزاری برای تبیین درست گفتمان انقلاب اسلامی، شناسایی و معرفی جریان‌های تکفیری با استفاده از ابزارهای مختلف، تأسیس و تقویت شبکه‌های تلویزیونی ماهواره‌ای اینترنتی چندزبانه برای کشورهای مختلف، تفاهم و گفت‌وگو برای عملیاتی‌سازی راهبرد تقریب مذاهب اسلامی، تأسیس مراکز علمی به منظور پژوهش درباره‌ی جریان‌های تکفیری و نقد عالمانه و دقیق اندیشه‌های این جریان‌ها صورت گیرد.

منابع

۱. اسپریگنز، توماس، فهم نظریه‌های سیاسی، ترجمه: فرهنگ رجایی، تهران: نشر آگاه، ۱۳۷۰ ش.
۲. امام خمینی، صحیفه‌ی امام، ۲۲ جلد، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸ ش.
۳. پورسعید، فرزاد، تروریسم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، مطالعات راهبردی، ش ۳۴، ۱۳۸۵ ش.
۴. جوکار، محمدصادق، چیستی نوین‌گرایی اسلامی، منابع اینترنتی، باشگاه اندیشه، ۱۳۸۶ ش.
۵. حقی، محمد، بررسی تهدیدهای جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی، انتشارات جامعه‌المصطفی، ۱۳۹۷ ش.
۶. خامنه‌ای، سیدعلی، بیانات در دیدار با مهمانان شرکت‌کننده در «کنگره‌ی جهانی جریان‌های تکفیری از دیدگاه علمای اسلامی»، ۱۳۹۳/۹/۴ ش.
۷. همو، بیانات در دیدار جمعی از قاریان، استادان و حافظان قرآن کریم، ۱۳۹۳/۰۴/۰۸ ش.
۸. همو، بیانات در دیدار رئیس جمهور ترکمنستان، ۱۳۹۴/۰۹/۰۱ ش.
۹. همو، بیانات در دیدار قاریان و حافظان برتر شرکت‌کننده در مسابقات بین‌المللی قرآن کریم، ۱۳۹۵/۲/۲۹ ش.
۱۰. همو، بیانات در مراسم بیست و پنجمین سالروز رحلت امام خمینی (ره)، ۱۳۹۳/۳/۱۴ ش.
۱۱. همو، حدیث ولایت (متن کامل بیانات، سخنرانی‌ها، خطبه‌ها، مصاحبه‌ها و دیدارهای معظم‌له از شهریور ۱۳۶۶ تا آبان ۱۳۸۹ ش)، مرکز کامپیوتر نور، ۱۳۹۰ ش.
۱۲. خیریه، بهروز، نقش گروه‌های تکفیری در تغییر نقشه‌ی منطقه، مجموعه مقالات کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۵، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت (علیهم‌السلام)، ج ۳، ۱۳۹۳ ش.
۱۳. دانشیار، علیرضا، آسیب‌شناسی جریان‌های تکفیری از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)، مجموعه مقالات کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۵، قم: دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت (علیهم‌السلام)، ۱۳۹۳ ش.
۱۴. سبحانی، جعفر، سخنرانی در اختتامیه‌ی کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ۱۳۹۳/۹/۴ ش.
۱۵. سیدنژاد، سیدباقر، سلفی‌گری در عراق و تأثیر آن بر جمهوری اسلامی ایران، فصل‌نامه‌ی علمی- پژوهشی مطالعات راهبردی، ش ۴۷، بهار ۱۳۸۹ ش.
۱۶. سیدباقری، سیدکاظم، حسنی، محمد و ملاشقیعی، بتول، آثار سیاسی- اجتماعی جریان‌های تکفیری بر عقب‌ماندگی کشورهای اسلامی، مجموعه مقالات کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، دارالاعلام لمدرسه اهل‌البیت (علیهم‌السلام) ج ۶، ۱۳۹۳ ش.
۱۷. شیخ حسینی، مختار و خلیلی، محمدجواد، نقش قدرت‌های بین‌المللی در رشد و گسترش جریان‌های تکفیری و پی‌آمدهای آن بر جهان اسلام، مجموعه مقالات کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۲، ۱۳۹۳ ش.



۱۸. عزیزاده موسوی، پایان‌نامه‌ی دکتری، دانشگاه باقرالعلوم(ع)، ۱۳۹۳ش.
۱۹. عموری، عبدالحسین و جاودانی مقدم، مهدی، بررسی زمینه‌های شکل‌گیری نوسلفی‌گری در خاورمیانه و الزامات دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، مجموعه مقالات هفدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، انتشارات المصطفی، ۱۳۹۳ش.
۲۰. فلاح، محمود، اسلام سیاسی و تمایز آن با سلفی‌گری در دوره‌ی معاصر: زمینه‌ها، فرصت‌ها و چالش‌ها، مجموعه مقالات کنگره‌ی جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام، ج ۵، ۱۳۹۳ش.
۲۱. فولر، گراهام، قبه‌ی عالم، ژئوپلتیک ایران، ترجمه: عباس مخبر، نشر مرکز، ۱۳۹۰ش.
۲۲. کاظمی، سیدیوسف، بازتاب‌های سیاسی گفتمان تکفیر، مجموعه مقالات هفدهمین جشنواره‌ی بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، انتشارات المصطفی، ۱۳۹۳ش.
۲۳. لکزایی، نجف، اندیشه‌ی سیاسی امام خمینی(ره)، بوستان کتاب، ۱۳۹۴ش.
۲۴. مجرد، محسن، تأثیرات انقلاب اسلامی بر سیاست بین‌الملل، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، تهران، ۱۳۸۶ش.
۲۵. مرادی، عبدالله، اصلاح‌طلبی به جای خشونت‌گرایی، پایگاه تحلیلی تبیینی برهان، ۲۱ تیر ۱۳۹۳ش.
۲۶. مکارم شیرازی، ناصر، بیانات در کنگره‌ی بین‌المللی «خطر جریان‌های تکفیری در دنیای امروز: مسئولیت علمای جهان اسلام»، ۸ بهمن ۱۳۹۴ش.
۲۷. هرسیج، حسین و نویسگرانی، معتبّی، چالش‌های وهابیت؛ ایران، جهان اسلام و غرب، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق(ع)، ۱۳۹۲ش.
۲۸. همفر، خاطرات مستر همفر، ترجمه: محسن مؤیدی، تهران: انتشارات اساطیر. ۱۳۸۶ش

